

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دو خورشید درخشان سامراء

سیری در زندگی و فضایل

امام علی النقی الهادی علیه السلام

و

امام حسن عسکری علیه السلام

سید مجتبی سجادی

سرشناسه	: سجادی، سیدمجتبی، ۱۳۵۷-
عنوان و نام پدیدآور	: دو خورشید درخشان سامراء: سیری در زندگی و فضایل امام علی النقی الهادی صلوات الله علیه و امام حسن عسکری صلوات الله علیه / سید مجتبی سجادی.
مشخصات نشر	: تهران: چتر دانش، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	: ۴۴۷ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۵۰۰-۲
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
یادداشت	: کتابنامه: ص. [۴۴۵]-۴۴۷.
عنوان دیگر	: سیری در زندگی و فضایل امام علی النقی الهادی صلوات الله علیه و امام حسن عسکری صلوات الله علیه.
موضوع	: علی بن محمد (ع)، امام دهم، ۲۱۲ - ۲۵۴ ق. -- سرگذشتنامه
موضوع	: Biography -- Imam X, Ali ibn Muhammad
موضوع	: علی بن محمد (ع)، امام دهم، ۲۱۲ - ۲۵۴ ق. -- فضایل
موضوع	: Imam X -- Virtues, Ali ibn Muhammad
موضوع	: حسن بن علی (ع)، امام یازدهم، ۲۳۲ - ۲۶۰ ق. -- سرگذشتنامه
موضوع	: Biography -- ۸۷۳ - ۸۴۶, Hasan ibn Ali, Imam XI
موضوع	: حسن بن علی (ع)، امام یازدهم، ۲۳۲ - ۲۶۰ ق. -- فضایل
موضوع	: Virtues -- ۸۷۳ - ۸۴۶, Hasan ibn Ali, Imam XI
موضوع	: چهارده معصوم -- سرگذشتنامه
موضوع	: Fourteen Innocents of Shiite -- Biography*
رده بندی کنگره	: BP۴۹/۱
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۹۵۸۳
شماره کتابشناسی ملی	: ۸۴۱۵۷۹۵
اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیپا	

نام کتاب	: دو خورشید درخشان سامراء: سیری در زندگی و فضایل امام علی النقی الهادی صلوات الله علیه و امام حسن عسکری صلوات الله علیه
ناشر	: چتر دانش
مؤلف	: سید مجتبی سجادی
نوبت و سال چاپ	: اول - ۱۴۰۰
شمارگان	: ۵۰۰
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۴۱۰-۵۰۰-۲
قیمت	: ۲۷۰۰۰۰ تومان

فروشگاه مرکزی: تهران، میدان انقلاب، خ منیری جاوید (اردیبهشت شمالی)، پلاک ۸۸
تلفن مرکز پخش: ۶۶۴۹۲۳۲۷ - تلفن فروشگاه کتاب: ۶۶۴۰۲۳۵۳
پست الکترونیک: nashr.chatr@gmail.com
کلیه حقوق برای مؤلف و ناشر محفوظ است.

فهرست مطالب

زندگی نامه حضرت امام علیّ النقی الهادی	۱۵
پدر و مادر امام هادی	۱۵
منزلت سمانه از زبان فرزندشان امام هادی	۱۶
برادران و خواهران امام هادی	۱۷
ابو محمّد موسی مبرقع	۱۷
زینب	۱۸
حکیمه	۱۸
حکیمه خاتون و شفای طفل بیمار	۲۳
ولادت امام علیّ النقی الهادی	۲۳
بشارت خاتم الأنبیاء به ولادت امام علیّ النقی الهادی	۲۴
لقاب امام علیّ النقی الهادی	۲۶
مشخصات ظاهری امام علیّ النقی الهادی	۲۶
مکارم اخلاق امام علیّ النقی الهادی	۲۷
نقش نگین حضرت امام علیّ النقی الهادی	۲۸
حرز امام علیّ النقی الهادی	۲۸
همسر امام علیّ النقی الهادی	۲۹
فرزندان امام علیّ النقی الهادی	۲۹
محمّد بن علیّ النقی	۲۹
لقاب امامزاده سید محمّد	۳۰
حسین بن علیّ النقی	۳۶

۳۶ جعفر کذاب
۳۷ امامت حضرت علیّ التّقیّ الهادی
۴۲ هیبت امام علیّ التّقیّ الهادی
۴۴ توسل اهل کتاب به امام علیّ التّقیّ الهادی
۴۶ خلق کردن از گِل به وسیله امام علیّ التّقیّ الهادی
۴۸ وارد شدن امام علیّ التّقیّ الهادی به بهشت
۴۹ استجابت دعای امام علیّ التّقیّ الهادی
۵۰ خبر دادن امام علیّ التّقیّ الهادی از غیب
۵۸ حیوانات در حضور امام علیّ التّقیّ الهادی
۵۹ زنده شدن به امر امام علیّ التّقیّ الهادی
۶۸ آگاهی امام علیّ التّقیّ الهادی از بارش باران
۶۹ نجات دادن یکی از محبین
۷۱ انحرافات اعتقادی در زمان امام علیّ التّقیّ الهادی
۷۱ ابن حسکه قمی
۷۳ محمّد بن نصیر فهری نمیری
۷۶ واقفیه در زمان امام علیّ التّقیّ الهادی
۷۶ مسأله خلق قرآن در زمان امام علیّ التّقیّ الهادی
۷۸ بخشش‌های امام علیّ التّقیّ الهادی
۸۳ پاسخ به سؤال واثق خلیفه عباسی
۸۳ رفع خطر در راه طوس به اعجاز امام علیّ التّقیّ الهادی
۸۵ خلفای معاصر حضرت علیّ التّقیّ الهادی
۸۵ وکلای حضرت علیّ التّقیّ الهادی
۸۹ قیام علویان در زمان امام علیّ التّقیّ الهادی
۹۰ امام علیّ التّقیّ الهادی در مدینه
۹۰ گرایش سرلشکر ترک به امام علیّ التّقیّ الهادی
۹۱ خبر دادن امام علیّ التّقیّ الهادی از مرگ واثق
۹۶ رؤیای صادق
۹۸ امام علیّ التّقیّ الهادی در راه سامراء
۱۰۵ ورود امام علیّ التّقیّ الهادی به سامراء

۱۰۶	خرید خانه در سامراء
۱۰۶	رفتن امام علیّ النقیّ الهادی <small>علیه السلام</small> به زیارت امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small>
۱۰۶	پناه به حائر حسینی به نیابت امام علیّ النقیّ الهادی <small>علیه السلام</small>
۱۰۸	سر به نیست شدن شعبده باز هندی
۱۰۹	تکلم به همه زبانها
۱۱۱	باد در خدمت امام علیّ النقیّ الهادی <small>علیه السلام</small>
۱۱۳	زینب کذابه در زمان امام علیّ النقیّ الهادی <small>علیه السلام</small>
۱۱۶	مراجعه متوکل به فتوای امام علیّ النقیّ <small>علیه السلام</small>
۱۱۷	طی الارض به اعجاز حضرت علیّ النقیّ الهادی <small>علیه السلام</small>
۱۱۷	کشاورزی نمودن امام علیّ النقیّ الهادی <small>علیه السلام</small>
۱۱۸	حقارت متوکل در برابر امام علیّ النقیّ الهادی <small>علیه السلام</small>
۱۱۹	معجزه‌ای در خانه متوکل از امام علیّ النقیّ الهادی <small>علیه السلام</small>
۱۱۹	نذر مادر متوکل برای امام علیّ النقیّ الهادی <small>علیه السلام</small>
۱۲۰	سعایت بطحائی از امام علیّ النقیّ الهادی <small>علیه السلام</small>
۱۲۲	تخریب حرم امام حسین <small>علیه السلام</small>
۱۳۴	آزارها و ستم‌های متوکل به امام علیّ النقیّ الهادی <small>علیه السلام</small>
۱۳۴	شدت تقیه امام علیّ النقیّ الهادی <small>علیه السلام</small>
۱۳۵	مناظره‌های امام علیّ النقیّ الهادی <small>علیه السلام</small>
۱۳۶	مناظره ابن سکیت با امام علیّ النقیّ الهادی <small>علیه السلام</small>
۱۳۸	مناظره یحیی بن اکثم با امام علیّ النقیّ الهادی <small>علیه السلام</small>
۱۴۷	شیعه شدن اصفهانی به اعجاز امام علیّ النقیّ الهادی <small>علیه السلام</small>
۱۴۹	توطئه بر علیه امام علیّ النقیّ الهادی <small>علیه السلام</small>
۱۵۱	آوردن امام علیّ النقیّ الهادی <small>علیه السلام</small> به بزم میگساری
۱۵۳	زندانی کردن امام علیّ النقیّ الهادی <small>علیه السلام</small>
۱۵۴	گرفتار شدن متوکل به نفرین امام علیّ النقیّ الهادی <small>علیه السلام</small>
۱۵۹	نقشه به قتل رساندن متوکل عباسی
۱۶۱	اجرای نقشه قتل متوکل
۱۶۱	امام علیّ النقیّ الهادی <small>علیه السلام</small> در حکومت منتصر
۱۶۲	آزاد شدن زیارت در زمان منتصر

۱۶۳	مرگ منتصر عباسی
۱۶۴	به حکومت رسیدن مستعین عباسی
۱۶۴	بر کناری مستعین و خلافت معتز
۱۶۵	ساعات پایانی عمر شریف امام علیّ النقیّ الهادی ؑ
۱۶۶	شهادت امام علیّ النقیّ الهادی ؑ
۱۶۸	تشییع و خاکسپاری امام علیّ النقیّ الهادی ؑ
۱۷۰	دعای همیشگی امام علیّ النقیّ الهادی ؑ
۱۷۱	اصحاب امام علیّ النقیّ الهادی ؑ
۱۷۱	ابراهیم بن عبده نیشابوری
۱۷۲	ابراهیم بن محمّد همدانی
۱۷۲	ابراهیم بن مهزیار
۱۷۲	احمد بن اسحاق بن عبدالله اشعری قمی
۱۷۳	احمد بن محمّد بن عیسی اشعری قمی
۱۷۳	ایوب بن نوح بن دراج
۱۷۴	حسن بن راشد
۱۷۶	حسن بن ظریف
۱۷۷	حسن بن علیّ
۱۷۷	حسن بن علیّ الوشاء
۱۷۸	حسین بن سعید اهوازی
۱۷۹	خیران خادم
۱۷۹	داود بن قاسم جعفری
۱۸۱	ریان بن صلت
۱۸۱	عبدالعظیم حسنی
۱۸۱	نسب حضرت عبدالعظیم
۱۸۲	وثاقت حضرت عبدالعظیم
۱۸۳	عرضه کردن عقیده خود به حضرت امام هادی ؑ
۱۸۴	هجرت حضرت عبدالعظیم ؑ به ری
۱۸۵	وفات حضرت عبدالعظیم
۱۸۵	فضیلت زیارت حضرت عبدالعظیم ؑ

۱۸۶	عثمان بن سعید العمری
۱۸۷	علی بن مهزیار اهوازی دورقی
۱۸۷	عبادت علی بن مهزیار
۱۸۷	تجلیل حضرت جواد الائمه <small>علیه السلام</small> از علی بن مهزیار
۱۸۸	تألیفات علی بن مهزیار
۱۸۸	مقام وی در حدیث
۱۸۸	علی بن جعفر همیناوی
۱۸۹	فضل بن شاذان نیشابوری
۱۸۹	تجلیل امام حسن عسکری <small>علیه السلام</small> از فضل بن شاذان
۱۹۰	تألیفات فضل بن شاذان
۱۹۰	محمد بن احمد محمودی
۱۹۱	محمد بن حسن بن ابی خطاب زیات
۱۹۲	محمد بن فرج رنجی
۱۹۳	معاویة بن حکیم بن معاویة بن عمار کوفی
۱۹۴	یعقوب بن اسحاق
۱۹۵	کلثوم کرخی
۱۹۵	نمونه‌ای از میراث‌های علمی امام هادی <small>علیه السلام</small>
۱۹۵	میراث‌های تفسیری امام هادی <small>علیه السلام</small>
۱۹۶	میراث‌های کلامی حضرت امام هادی <small>علیه السلام</small>
۲۰۲	رساله جبر و تفویض امام علی النقی الهادی <small>علیه السلام</small>
۲۲۶	دعاهای منقول از امام علی النقی الهادی <small>علیه السلام</small>
۲۳۷	دعای قنوت امام علی النقی الهادی <small>علیه السلام</small>
۲۴۲	دعای امام در تعقیب نماز صبح
۲۴۶	دعای امام بعد از نماز عصر
۲۴۷	میراث‌های اخلاقی امام علی النقی الهادی <small>علیه السلام</small>
سیری در زندگی و فضایل امام حسن عسکری <small>علیه السلام</small>		
۲۵۵	زندگی‌نامه حضرت امام حسن عسکری <small>علیه السلام</small>
۲۵۵	مادر حضرت امام حسن عسکری <small>علیه السلام</small>
۲۵۷	ولادت امام حسن عسکری <small>علیه السلام</small>

۲۵۹	لقاب امام حسن عسکری <small>علیه السلام</small>
۲۶۰	نقش نگین انگشتر امام حسن عسکری <small>علیه السلام</small>
۲۶۰	مشخصات امام حسن عسکری <small>علیه السلام</small>
۲۶۳	همسر امام حسن عسکری <small>علیه السلام</small>
۲۷۵	فرزند امام حسن عسکری <small>علیه السلام</small>
۲۷۵	امامت امام حسن عسکری <small>علیه السلام</small>
۲۷۹	مکارم اخلاق امام حسن عسکری <small>علیه السلام</small>
۲۸۲	خلفاء معاصر با امام حسن عسکری <small>علیه السلام</small>
۲۸۳	مستعین
۲۸۶	معتز
۲۸۷	المهتدی
۲۹۰	المعتمد
۲۹۱	معجزات امام حسن عسکری <small>علیه السلام</small>
۲۹۱	مهر کردن سنگ توسط امام حسن عسکری <small>علیه السلام</small>
۲۹۵	احترام طیور به حرم امام حسن عسکری <small>علیه السلام</small>
۲۹۵	رسوا شدن راهب به وسیله امام حسن عسکری <small>علیه السلام</small>
۲۹۷	نوشتن قلم به اعجاز امام حسن عسکری <small>علیه السلام</small>
۲۹۸	نفرین امام حسن عسکری <small>علیه السلام</small>
۲۹۹	اظهار بیزاری امام حسن عسکری <small>علیه السلام</small> از دیگر فرق اسلامی
۳۰۰	آگاهی امام حسن عسکری <small>علیه السلام</small> از غیب
۳۲۰	طریقه نامه نگاری امام حسن عسکری <small>علیه السلام</small> با خواص
۳۲۱	شدت تقیه در زمان امام حسن عسکری <small>علیه السلام</small>
۳۲۳	نعمت ولایت اهل بیت <small>علیهم السلام</small>
۳۲۳	کوچک نشمردن گناه به امر امام حسن عسکری <small>علیه السلام</small>
۳۲۴	پاداش نیکوکاران از زبان امام حسن عسکری <small>علیه السلام</small>
۳۲۵	خارج کردن طلا و نقره از زمین
۳۲۶	آگاهی از نیت افراد
۳۳۰	صحبت کردن امام به زبان های مختلف
۳۳۰	بخشش های امام حسن عسکری <small>علیه السلام</small>

۳۳۳ مکشوف شدن آثار انبیاء و اوصیاء به اعجاز امام حسن عسکری <small>علیه السلام</small>
۳۳۷ راهنمایی و هدایت اسحاق کندی
۳۳۸ ارتباط مخفیانه امام حسن عسکری <small>علیه السلام</small> با شیعیان
۳۳۹ طیّ الارض نمودن امام حسن عسکری <small>علیه السلام</small>
۳۴۰ سیر نمودن امام حسن عسکری <small>علیه السلام</small> در آسمان
۳۴۱ هدایت شدن یکی از غلات
۳۴۲ دیدن امام حسن عسکری <small>علیه السلام</small> در خواب
۳۴۳ مسلمان شدن راهب مسیحی
۳۴۵ وکلای امام حسن عسکری <small>علیه السلام</small>
۳۴۸ فلسفه ارث زن از زبان امام حسن عسکری <small>علیه السلام</small>
۳۴۸ قرائت نامه بدون جوهر
۳۴۹ خیر دادن امام حسن عسکری <small>علیه السلام</small> از زمان مرگ
۳۵۸ نفرین امام حسن عسکری <small>علیه السلام</small>
۳۵۹ شأن اهل بیت <small>علیهم السلام</small> در قرآن
۳۶۳ حضرت امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small> در بیان امام حسن عسکری <small>علیه السلام</small>
۳۶۶ حضرت فاطمه <small>علیها السلام</small> در بیان امام حسن عسکری <small>علیه السلام</small>
۳۶۷ آخر الزمان در بیان امام حسن عسکری <small>علیه السلام</small>
۳۶۸ وصیت و سفارش امام حسن عسکری <small>علیه السلام</small> به شیعیان
۳۶۹ نامه امام حسن عسکری <small>علیه السلام</small> به قاسم هروی
۳۷۲ نامه امام حسن عسکری <small>علیه السلام</small> به ابن بابویه
۳۷۳ حضرت مهدی از زبان امام حسن عسکری <small>علیه السلام</small>
۳۸۳ زندانی نمودن امام حسن عسکری <small>علیه السلام</small>
۳۸۵ امام حسن عسکری <small>علیه السلام</small> در زندان صالح بن وصیف
۳۸۶ امام حسن عسکری <small>علیه السلام</small> در زندان نحریر
۳۸۸ احترام رجال بنی عباس به امام حسن عسکری <small>علیه السلام</small>
۳۹۱ شهادت امام حسن عسکری <small>علیه السلام</small>
۳۹۴ حضرت مهدی کنار امام حسن عسکری <small>علیه السلام</small>
۳۹۸ کنترل خانه امام حسن عسکری <small>علیه السلام</small>
۳۹۸ تشییع امام حسن عسکری <small>علیه السلام</small>

۳۹۹	بازرسی خانه‌ها، در جستجوی فرزند امام حسن عسکری <small>علیه السلام</small>
۴۰۰	حرم امام حسن عسکری <small>علیه السلام</small>
۴۰۲	سرداب مقدس حضرت ولی عصر <small>علیه السلام</small>
۴۰۴	سرداب غیبت از دیدگاه اهل سنت
۴۰۵	اصحاب امام حسن عسکری <small>علیه السلام</small>
۴۰۵	ابراهیم بن اسماعیل الخلنجی جرجانی
۴۰۶	ابراهیم بن عبده نیشابوری
۴۰۶	ابراهیم بن محمد بن فارس نیشابوری
۴۰۷	احمد بن اسحاق بن عبدالله بن سعد بن مالک
۴۰۸	ساخت مسجد امام حسن عسکری <small>علیه السلام</small> در قم
۴۱۳	احمد بن محمد بن عبدالله بن مروان انباری
۴۱۳	احمد بن محمد بن مطهر
۴۱۶	اسحاق بن اسماعیل نیشابوری
۴۲۰	اسماعیل بن علی بن اسحاق بن ابی سهل بن نوبخت
۴۲۲	جعفر بن محمد القلانسی
۴۲۳	داوود بن ابی زید النیشابوری
۴۲۳	داوود بن القاسم (ابو هاشم الجعفری)
۴۲۳	ریان بن الصلت
۴۲۴	محمد بن صالح بن محمد همدانی دهقان
۴۲۵	نمونه‌ای از میراث‌های علمی امام حسن عسکری <small>علیه السلام</small>
۴۲۵	میراث‌های تفسیری امام حسن عسکری <small>علیه السلام</small>
۴۳۰	دعاهایی از امام حسن عسکری <small>علیه السلام</small>
۴۳۴	قنوت امام حسن عسکری <small>علیه السلام</small>
۴۳۵	نوشتن عریضه به امر امام حسن عسکری <small>علیه السلام</small>
۴۳۶	میراث‌های کلامی امام حسن عسکری <small>علیه السلام</small>
۴۳۸	سفارشات اخلاقی امام حسن عسکری <small>علیه السلام</small>
۴۴۵	مآخذ کتاب

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين الصلاة والسلام على سيدنا و مولانا أبي القاسم المصطفى
محمد صلى الله عليه وآله وسلم وعلى آله، آل الله صلوات الله وسلامه عليهم أجمعين،
ولعنة الله على أعدائهم، أعداء الله من الآن إلى قيام يوم الدين.

در طول سالیان زمامداری و حکومتِ حکام بنی عباس، سخت‌ترین شرائط و بزرگ‌ترین
ستم‌ها بر حضرات معصومین علیهم‌السلام روا گردید، آن هم از طرف کسانی که خود را بنی‌اعمام
اهل‌بیت علیهم‌السلام و فرزندان عباس عموی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌دانستند و در ابتدا با نام خون‌خواهی از
سرور و سالار شهیدان حضرت اباعبدالله الحسین علیه‌السلام سر به شورش برداشتند و وانمود
می‌کردند که قصد دارند از اهل‌بیت خاتم الأنبياء صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم دفاع نمایند. اما همین که بر اریکه
قدرت تکیه زدند، بلافاصله تغییر رویه دادند و همین کسانی که خود را در بین مردم به عنوان
پیرو آل محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم معرفی می‌کردند، طریقه شیخین را در پیش گرفتند، و شروع به تقویت و
گسترش اهل سنت نمودند و در این اثناء از هیچ‌گونه آزار و اذیت و قتل و جنایت و زندان و
تبعید درباره اهل‌بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام دریغ نکردند، به نحوی که حضرات معصومین
و سادات در سخت‌ترین شرائط قرار گرفتند و برای حفظ جان خویش در نهایت تقیه روزگار
می‌گذراندند. به گونه‌ای که در زمان امامت حضرت امام هادی و حضرت امام حسن
عسکری علیهم‌السلام به طور کلی ارتباط این دو امام بزرگوار را با شیعیان قطع نمودند و حضرات را به
تبعیدی در بدترین شرائط مجبور کردند و در نهایت مظلومانه مسموم و به شهادت رساندند.

به هر صورت از آن جایی که کمتر در مورد امام هادی و امام حسن عسکری علیهما السلام صحبت می‌شود و مطلبی نگاشته می‌شود، بر خود لازم دانستم، که شرح حال مختصری از زندگی نامه این دو امام بزرگوار را به رشته تحریر در آورم، به امید آن که نگارنده و خوانندگان بزرگوار مورد عنایات و توجهات امام هادی علیه السلام و امام حسن عسکری علیه السلام و فرزند بزرگوارشان حضرت ولی عصر علیه السلام قرار بگیریم و خشنودی آن بزرگواران حاصل شود. و از آن جایی که آدمی همیشه در معرض لغزش می‌باشد، قطعاً این نوشتار هم از این قاعده مصون نخواهد بود، از این رو از خوانندگان بزرگوار استدعا می‌کنم اشتباهات سهوی این نوشتار را بر برادر کوچکشان ببخشایند، و با تذکرات سازنده خود، در جهت اصلاح در مراتب آتی، نگارنده سطور را یاری نمایند.

در پایان کمال سپاس‌گذاری را از استاد بزرگوار حضرت آیت‌الله شیخ هادی نجفی دام‌عزه می‌نمایم که اینجانب را در چاپ و نشر این نوشتار به نحو شایسته و کریمانه یاری نمودند. و اگر مساعدت‌های بی‌شائبه ایشان نبود امکان چاپ این مختصر حاصل نمی‌گشت.

سید مجتبی سجادی

زندگی نامه حضرت امام علی النقی الهادی علیه السلام

وجود نازنین حضرت امام هادی علیه السلام در حوالی مدینه در مکانی به نام صریا چشم به جهان گشودند، بلکه باید گفت از عالم لاهوت به این سرای ناسوت نزول اجلال کرده و عالمی را به نور ملکوتی و الهی خویش روشن کرده و موجودات عالم امکان از انس و جن و نبات و حیوان را از برکات وجودی خود بهره‌مند نمودند.

پدر و مادر امام هادی علیه السلام

پدر ایشان حضرت محمد الجواد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابی طالب علیهم السلام می‌باشند که صحبت درباره آن بزرگوار نوشتار مستقلی را می‌طلبید. و مادرشان حضرت سمانه مغربیه است، که معروف به سیده بوده‌اند، و کنیه ایشان را امّ الفضل ذکر کرده‌اند.^۱

البته دختر مأمون نیز همسر جواد الائمه علیهم السلام بود که مأمون به اجبار دخترش را به عقد حضرت در آورده بود، و او هم امّ الفضل نام داشت که حضرت را مسموم و به شهادت رساند، و از حضرت جواد الائمه علیه السلام فرزندی نداشت.^۲

۱. الدر النظیم، ص ۷۲۱.

۲. منتهی الآمال، ج ۲، ص ۶۱۸.

منزلت سمانه از زبان فرزندشان امام هادی علیه السلام

حضرت سمانه علیها السلام بانوی بزرگواری هستند که انسان‌ها از درک مقام والای ایشان عاجز می‌باشند، و صحبت کردن و نگاشتن درباره شخصیتی که فرزندی چونان حضرت امام هادی علیه السلام را در دامان خود پرورش داده، امری بسیار خطیر است. از این رو برای فهم و درک و پی بردن به گوشه‌ای از فضائل حضرت سمانه علیها السلام باید گوش جان به کلام حضرت امام هادی علیه السلام درباره مادرشان سپرد تا با استمداد از کلام نورانی ایشان به اندازه معرفت خود به فضائل آن بانوی بزرگواری پی ببریم، کلامی بسیار ژرف که درباره ایشان فرموده‌اند:

«أُمِّي عَارِفَةٌ بِحَقِّي، وَ هِيَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ، لَا يُقْرَبُهَا شَيْطَانٌ مَّارِدٌ، وَ لَا يَنَالُهَا كَيْدُ جَبَّارٍ عَنِيدٍ، وَ هِيَ مَكْلُوءَةٌ بِعَيْنِ اللَّهِ الَّتِي لَا تَنَامُ، وَ لَا تَخْلَفُ عَنْ أُمَّهَاتِ الصَّادِقِينَ وَ الصَّالِحِينَ»؛^۱

مادرم عارف به حق من (حق امامت) است، و او از اهل بهشت است، شیطان سرکش به او راهی ندارد و نزدیک او نمی‌شود، و مکر و حيله ستمگران لجوج به او نمی‌رسد، و خداوندی که خواب در او راه ندارد، نگهبان و حافظ اوست، و او از [راه] مادران صدیقان و صالحان منحرف نمی‌شود [و چونان آنها است].

و در روایت دیگری مرحوم شیخ عباس قمی رحمته الله درباره ایشان از کتاب «جنات الخلود» نقل کرده است:

«آن مخدره همیشه روزه مستحبی می‌گرفتند، و در زهد و تقوی مثل و مانند نداشتند».^۲

از محمد بن فرج نقل شده: حضرت امام جواد علیه السلام مرا طلبیدند، و به من فرمودند:

«أَنَّ قَافِلَةَ قَدِ قَدِمَتْ فِيهَا نَحَاسٌ مَعَهُ الْجَوَارِي، وَ دَفَعُ إِلَيَّ سَتِينَ دِينَاراً وَ أَمَرَنِي بِابْتِيعِ جَارِيَةَ وَ صَفَهَا، فَمَضَيْتُ فَعَلِمْتُ بِمَا أَمَرَنِي بِهِ، فَكَانَتْ تِلْكَ الْجَارِيَةُ أُمُّ أَبِي الْحَسَنِ علیه السلام»؛^۳

قافله‌ای به شهر وارد شده که در آن، برده‌فروشی می‌باشد، که کنیزانی همراه او هستند، سپس شصت دینار به من دادند و فرمودند: با این شصت دینار، کنیزی را که دارای چنین و چنان صفتی می‌باشد، خریداری نما. محمد بن فرج می‌گوید: نزد آن برده‌فروش رفتم و

۱. دلائل الإمامة، ص ۴۱۰؛ الدر النظیم، ص ۷۲۱.

۲. منتهی الآمال، ج ۲، ص ۶۴۱.

۳. الدر النظیم، ص ۷۲۱.

همان گونه که امام جواد علیه السلام دستور داده بودند، او را خریداری نمودم، و آن کنیز مادر امام هادی علیه السلام شدند.

برادران و خواهران امام هادی علیه السلام

حضرت جواد الأئمه علیه السلام چهار پسر به نام‌های: ابوالحسن امام علی نقی علیه السلام و ابوالاحمد موسی مبرقع و احمد حسین و ابوموسی عمران، و چهار دختر به نام‌های: فاطمه، خدیجه، ام‌کلثوم و حکیمه، داشتند، که همگی از بطن حضرت سمانه علیها السلام بودند. البته از بعضی از تواریخ به دست می‌آید که زینب و ام‌محمد و میمونه نیز از دختران حضرت جواد الأئمه علیه السلام بوده‌اند.^۱ و چنانچه شیخ مفید رحمته الله ذکر کرده حضرت، دختر دیگری به نام امامه نیز داشته‌اند.^۲

ابو محمد موسی مبرقع

از آن جایی که جناب موسی همیشه صورت خود را می‌پوشاندند و برقع به صورت خود می‌زدند به موسی مبرقع معروف شدند. حال این پوشاندن صورت یا به این جهت بوده است که نمی‌خواستند، در بین مردم شناخته شوند چرا که با توجه به عداوتی که بنی‌عباس با بنی‌الزهره علیهم السلام داشتند مورد آزار و اذیت قرار می‌گرفتند، و یا به این علت بوده که صورت زیبا و درخشانی داشتند و نمی‌خواستند جلب توجه نمایند و یا مورد حسادت و چشم زخم قرار بگیرند، و یا به هر دو جهت پیوسته صورت خود را از مردم پنهان می‌نمودند.

جناب موسی مبرقع جد سادات رضویه در تمام جهان هستند، و بسیاری از سادات در اقصی نقاط این کره خاکی به ایشان نسب می‌رسانند. در بین سادات رضویه، ایشان اولین کسی هستند که در سال دویست و پنجاه و شش هجری قمری به قم مهاجرت کردند. ولی هنگامی که وارد قم شدند، بزرگان عرب که آن زمان ساکن قم بودند، از ایشان استقبال نکردند و بسیار به ایشان کم‌توجهی نمودند، به همین خاطر به کاشان رفتند و در آنجا احمد بن عبدالعزیز استقبال شایسته‌ای از ایشان نمود، و حضرت موسی مبرقع را اکرام کرد و

۱. منتهی الآمال، ج ۲، ص ۶۱۸.

۲. ارشاد، ج ۲، ص ۷۰۲.

خلعت‌های بسیار و مرکب‌ها به ایشان بخشید و مقرر کرد هر سال هزار مثقال طلا با یک اسب مسرّج به ایشان با کمال احترام هدیه بدهند.^۱ اما بعد از مدتی رؤسای عربی که ساکن قم بودند، از کار خود پشیمان شدند، و به خدمت ایشان آمدند، و عذرخواهی نمودند، و با اکرام تمام ایشان را به قم بردند. در قم حال ایشان نیکو گشت و قریه و مزارعی را خریدند و بعد از مدتی خواهرانشان، زینب و امّ محمّد و میمونه و همچنین بریهه دختر حضرت موسی بن جعفر علیه السلام نزد ایشان رفتند و در قم ساکن شدند.^۲

زینب

زینب همان کسی هستند که برای اولین بار با حصیر و بوریا بر قبر مطهر حضرت فاطمه معصومه علیها السلام سایبانی ساختند و سپس بر آن قبر مطهر و نورانی قبه ای بنا کردند. زینب و امّ محمّد و میمونه و بریهه بعد از وفات در کنار حضرت فاطمه معصومه علیها السلام دفن شدند. و موسی مبرقع شب چهارشنبه، روز آخر اردیبهشت ماه، دو روز مانده به آخر ماه ربیع الثانی در سال دویست و نود و شش هجری قمری از دنیا رفتند، و امیر قم عباس بن عمرو غنوی بر بدن مطهر ایشان نماز خواند و در همین مکانی که هم اکنون در قم معروف است، دفن نمودند.^۳

حکیمه

یکی دیگر از دختران حضرت جواد الأئمه علیه السلام، حضرت حکیمه خاتون علیها السلام می‌باشند، که فضائل و مناقب بسیاری از ایشان نقل شده است، و محضر مبارک چهار امام معصوم را درک کرده‌اند، و حضرت امام هادی علیه السلام حضرت نرجس خاتون علیها السلام مادر حضرت ولیّ عصر علیه السلام را به ایشان سپردند، که معالم دین و احکام شرع را به ایشان بیاموزند، و بعد از شهادت حضرت امام حسن عسکری علیه السلام از طرف حضرت ولیّ عصر علیه السلام منصب سفارت داشتند، و

۱. منتهی الآمال ج ۲، ص ۶۱۸.

۲. منتهی الآمال ج ۲، ص ۶۱۹.

۳. منتهی الآمال ج ۲، ص ۶۱۹.

نامه‌ها و عریضه‌های که مردم برای حضرت نوشته و ارسال کرده بودند را به حضرت ولی عصر علیه السلام می‌رساندند، و سپس جواب نامه‌ها و توقیعات شریف را از طریق نواب خاص حضرت ولی عصر علیه السلام به شیعیان بر می‌گرداندند.^۱

ایشان در هنگام وضع حمل حضرت نرجس خاتون علیها السلام، مادر حضرت ولی عصر علیه السلام در کنار حضرت بودند و منصب قابله‌گری حضرت نرجس خاتون علیها السلام را بر عهده داشتند. این مخدره اولین کسی هستند، که حضرت بقیة الله الاعظم علیه السلام را در آغوش گرفته، و بوسیده‌اند و نزد پدر بزرگوارشان حضرت امام حسن عسکری علیه السلام برده‌اند. در میان سادات علویه و بنات هاشمیه از جهت فضائل و مناقب و عبادت و تقوی و علم ممتاز می‌باشند و حامل اسرار امامت بوده‌اند. حضرت حکیمه خاتون علیها السلام در سامراء از دنیا رفتند و در قبه عسکریین، پائین پای دو امام بزرگوار دفن شدند.^۲

مرحوم علامه مجلسی علیه السلام در باب زیارة الإمامین العسکریین علیهم السلام به برخی از ویژگی‌های ایشان اشاره کرده، و می‌نویسند:

«ثمّ إعلم أنّ فی القبة الشریفة قبراً منسوباً إلى التّجیة الکریمة العالمة الفاضلة التّقیة الرّضیة حکیمة بنت أبی جعفر الجواد علیه السلام و أنّها كانت مخصوصة بالأئمة علیهم السلام و مودعة أسرارهم، و كانت أمّ القائم علیه السلام عندها و كانت حاضرة عند ولادته علیه السلام و كانت تراه حيناً بعد حين فی حياة أبی محمّد العسکری علیه السلام و كانت من السفراء و الأبواب بعد وفاته...»^۳

به درستی که در این بقعه شریف، قبری است منسوب به نجیبه کریمه، عالمه فاضله، تقیه مرضیه، حکیمه دختر امام جواد علیه السلام کسی که محرم اسرار اهل بیت علیهم السلام بود و مادر حضرت قائم علیه السلام در محضر ایشان معارف را آموختند. در هنگام ولادت حضرت مهدی علیه السلام حاضر بودند و بارها محضر حضرت رسیده بودند. پس از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام از سفراء و ابواب امام زمان به شمار می‌رفتند...

یکی دیگر از ویژگی‌های حضرت حکیمه خاتون علیها السلام، محدثه بودن ایشان است و

۱. منتهی الآمال ج ۲، ص ۶۲۵.

۲. منتهی الآمال ج ۲، ص ۶۲۵.

۳. بحار الانوار، ج ۱۰۲، ص ۷۹.

احادیثی از ایشان نقل شده که یکی از آنها حرز حضرت امام جواد الائمه علیه السلام است که از پدر بزرگوارشان برای ما نقل فرموده‌اند که مرحوم سید بن طاووس اعلی الله مقامه الشریف در کتاب «مهج الدعوات» در ضمن روایتی این حرز را نقل نموده و نگاشته است:

این حرز باید روی قطعه‌ای از نقره حکاکی شود، و هنگامی که می‌خواهد آن را بنویسد وضو بگیرند و چهار رکعت نماز بخوانند و در هر رکعت یک بار سوره حمد و هفت بار آیه الکرسی را قرائت نمایند و هفت بار آیه شهد الله [آیه ۱۸ و ۱۹ سوره آل عمران] و هفت بار سوره شمس و هفت بار سوره و اللیل إذا یغشی و هفت بار سوره قل هو الله أحد را بخوانند و وقتی این اذکار به پایان رسید، و اگر کسی بخواند آن را به بازویش ببندد، باید آن حرز را به بازوی راستش قرار دهد تا به حول و قوت خداوند متعال از هر آنچه که می‌ترسد در امان بماند و شایسته است که در آن هنگام قمر در عقرب نباشد و متن حرز از این قرار است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ إِلَى آخِرِهَا أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ وَالْفَلَكَ تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَيُمْسِكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرُؤُوفٌ رَحِيمٌ اللَّهُمَّ أَنْتَ الْوَاحِدُ الْمَلِكُ الدَّيَّانُ يَوْمَ الدِّينِ تَفَعَّلْ مَا تَشَاءُ بِلا مُعَالَبَةٍ وَتُعْطِي مَنْ تَشَاءُ بِلا مَنٍّ وَتَفَعَّلْ مَا تَشَاءُ وَتَحْكُمُ مَا تُرِيدُ وَتُدَاوِلُ الْأَيَّامَ بَيْنَ النَّاسِ وَتُرَكِّبُهُمْ طَبَقًا عَنْ طَبَقٍ أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَكْتُوبِ عَلَى سُرَادِقِ الْمَجْدِ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَكْتُوبِ عَلَى سُرَادِقِ السَّرَائِرِ السَّابِقِ الْفَائِقِ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ النَّضِيرِ رَبِّ الْمَلَائِكَةِ الثَّمَانِيَةِ وَالْعَرْشِ الَّذِي لَا يَتَحَرَّكُ وَأَسْأَلُكَ بِالْعَيْنِ الَّتِي لَا تَنَامُ وَبِالْحَيَاةِ الَّتِي لَا تَمُوتُ وَبِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي لَا يُظْفَأُ وَبِالْإِسْمِ الْأَكْبَرِ الْأَكْبَرِ الْأَكْبَرِ وَبِالْإِسْمِ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ الَّذِي هُوَ مُحِيطٌ بِمَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَبِالْإِسْمِ الَّذِي أَشْرَقَتْ بِهِ الشَّمْسُ وَأَضَاءَ بِهِ الْقَمَرُ وَسُجِّرَتْ بِهِ الْبُحُورُ وَنُصِبَتْ بِهِ الْجِبَالُ وَبِالْإِسْمِ الَّذِي قَامَ بِهِ الْعَرْشُ وَالْكَرْسِيُّ وَبِاسْمِكَ الْمَكْتُوبِ عَلَى سُرَادِقِ الْعَرْشِ وَبِاسْمِكَ الْمَكْتُوبِ عَلَى سُرَادِقِ الْعِزَّةِ وَبِاسْمِكَ الْمَكْتُوبِ عَلَى سُرَادِقِ الْعُظْمَةِ وَبِاسْمِكَ الْمَكْتُوبِ عَلَى سُرَادِقِ النَّبَاهِ وَبِاسْمِكَ الْمَكْتُوبِ عَلَى سُرَادِقِ الْقُدْرَةِ وَبِاسْمِكَ الْعَزِيزِ وَبِاسْمَائِكَ الْمُقَدَّسَاتِ الْمَكْرَمَاتِ الْمَحْزُونَاتِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ وَأَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِكَ خَيْرًا مِمَّا أَرْجُو وَأَعُوذُ بِعِزَّتِكَ وَقُدْرَتِكَ مِنْ سَرٍّ مَا أَخَافُ وَأَحْذَرُ وَمَا لَأَحْذَرُ يَا صَاحِبَ مُحَمَّدٍ يَوْمَ حُنَيْنٍ وَيَا صَاحِبَ عَلِيٍّ يَوْمَ صِفِّينَ أَنْتَ يَا رَبَّ مُبِيرِ الْجَبَّارِينَ وَقَاصِمِ الْمُتَكَبِّرِينَ أَسْأَلُكَ بِحَقِّ طِهِّ وَبِسِّ وَالْقُرْآنِ الْعَظِيمِ وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُشَدَّ بِهِ عَضُدَ صَاحِبِ هَذَا الْعَقْدِ وَأَذْرَأُ

بِكَ فِي نَحْرِ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ وَ كُلِّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ وَ عَدُوِّ شَدِيدٍ وَ عَدُوِّ مُنْكَرِ الْأَخْلَاقِ وَ اجْعَلْهُ
 مِمَّنْ أَسْلَمَ إِلَيْكَ نَفْسَهُ وَ فَوَّضَ إِلَيْكَ أَمْرَهُ وَ أَلْجَأَ إِلَيْكَ ظَهْرَهُ اللَّهُمَّ بِحَقِّ هَذِهِ الْأَسْمَاءِ الَّتِي
 ذَكَرْتَهَا وَ قَرَأْتَهَا وَ أَنْتَ أَعْرَفُ بِحَقِّهَا مِنِّي وَ أَسْأَلُكَ يَا ذَا الْمَنِّ الْعَظِيمِ وَ الْجُودِ الْكَرِيمِ وَ لِي
 الدَّعَوَاتِ الْمُسْتَجَابَاتِ وَ الْكَلِمَاتِ الثَّمَامَاتِ وَ الْأَسْمَاءِ النَّافِذَاتِ وَ أَسْأَلُكَ يَا نُورَ النَّهَارِ وَ يَا نُورَ
 اللَّيْلِ وَ يَا نُورَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ نُورَ التُّورِ وَ نُوراً يُضِيءُ بِهِ كُلُّ نُورٍ يَا عَالِمَ الْخَفِيَّاتِ كُلِّهَا فِي
 الْبُرِّ وَ الْبَحْرِ وَ الْأَرْضِ وَ السَّمَاءِ وَ الْجِبَالِ وَ أَسْأَلُكَ يَا مَنْ لَا يَفْتَنِي وَ لَا يَبِيدُ وَ لَا يَزُولُ وَ لَا لَهُ شَيْءٌ
 مَوْصُوفٌ وَ لَا إِلَيْهِ حُدٌّ مَنْسُوبٌ وَ لَا مَعَهُ إِلَهٌ وَ لَا إِلَهٌ سِوَاهُ وَ لَا لَهُ فِي مُلْكِهِ شَرِيكٌ وَ لَا تُصَافُ
 الْعِزَّةُ إِلَّا إِلَيْهِ وَ لَمْ يَزَلْ بِالْعُلُومِ عَالِماً وَ عَلَى الْعُلُومِ وَاقِفاً وَ لِلْأُمُورِ نَاطِماً وَ بِالْكَتُبِ عَالِماً وَ
 لِلتَّنْذِيرِ مُحْكِماً وَ بِالْخَلْقِ بَصِيراً وَ بِالْأُمُورِ خَبِيراً أَنْتَ الَّذِي خَسَعْتَ لَكَ الْأَصْوَاتَ وَ ضَلَّتْ فِيكَ
 الْأَحْلَامُ وَ صَافَتْ دُونَكَ الْأَسْبَابُ وَ مَلَأَتْ كُلُّ شَيْءٍ نُورَكَ وَ وَجَلَّ كُلُّ شَيْءٍ مِنْكَ وَ هَرَبَ كُلُّ
 شَيْءٍ إِلَيْكَ وَ تَوَكَّلَ كُلُّ شَيْءٍ عَلَيْكَ وَ أَنْتَ الرَّفِيعُ فِي جَلَالِكَ وَ أَنْتَ الْبَهِيُّ فِي جَمَالِكَ وَ أَنْتَ
 الْعَظِيمُ فِي قُدْرَتِكَ وَ أَنْتَ الَّذِي لَا يُدْرِكُكَ شَيْءٌ وَ أَنْتَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ الْعَظِيمُ وَ مَجِيبُ الدَّعَوَاتِ
 قَاضِي الْحَاجَاتِ مُفْرَجُ الْكُرْبَاتِ وَلِيُّ النَّعْمَاتِ يَا مَنْ هُوَ فِي عُلُوِّهِ دَانٍ وَ فِي دُنُوِّهِ عَالٍ وَ فِي
 إِسْرَاقِهِ مُنِيرٌ وَ فِي سُلْطَانِهِ قَوِيٌّ وَ فِي مُلْكِهِ عَزِيزٌ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ احْرُسْ صَاحِبَ
 هَذَا الْعَقْدِ وَ هَذَا الْحِزْرِ وَ هَذَا الْكِتَابِ بِعَيْنِكَ الَّتِي لَا تَنَامُ وَ اكْتَفُهُ بِرُكْنِكَ الَّذِي لَا يُتْرَاقُ وَ ارْحَمَهُ
 بِقُدْرَتِكَ عَلَيْهِ فَإِنَّهُ مَرْزُوقُكَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ لَا صَاحِبَةَ لَهُ وَ لَا وَلَدًا بِسْمِ
 اللَّهِ الْقَوِيِّ الشَّانِ عَظِيمِ الْبُرْهَانِ شَدِيدِ السُّلْطَانِ مَا شَاءَ اللَّهُ كَانَ وَ مَا لَمْ يَشَأْ لَمْ يَكُنْ أَشْهَدُ أَنَّ نُوحاً
 رَسُولُ اللَّهِ وَ أَنَّ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلُ اللَّهِ وَ أَنَّ مُوسَى كَلِيمُ اللَّهِ وَ نَحِيَّةُ وَ أَنَّ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ صَلَوَاتُ اللَّهِ
 عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ كَلِمَتَهُ وَ رُوحَهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ خَاتَمَ النَّبِيِّينَ لَا نَبِيَّ بَعْدَهُ
 وَ أَسْأَلُكَ بِحَقِّ السَّاعَةِ الَّتِي يُؤْتَى فِيهَا بِإِبْلِيسَ اللَّعِينِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ يَقُولُ اللَّعِينُ فِي تِلْكَ السَّاعَةِ وَ
 اللَّهُ مَا أَنَا إِلَّا مَهْجَعٌ مَرْدَةٌ اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ هُوَ الْقَاهِرُ وَ هُوَ الْغَالِبُ لَهُ الْقُدْرَةُ السَّابِقَةُ
 وَ هُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ اللَّهُمَّ وَ أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذِهِ الْأَسْمَاءِ كُلِّهَا وَ صِفَاتِهَا وَ صُورِهَا وَ هِيَ سُبْحَانَ
 الَّذِي خَلَقَ الْعَرْشَ وَ الْكُرْسِيَّ وَ اسْتَوَى عَلَيْهِ أَسْأَلُكَ أَنْ تَصْرِفَ عَنِّي صَاحِبَ كِتَابِي هَذَا كُلَّ سُوءٍ
 وَ مَحْدُورٍ فَهَوِّ عِبْدَكَ وَ ابْنَ عِبْدِكَ وَ ابْنَ أُمَّتِكَ وَ أَنْتَ مَوْلَاةُ فَهِيَ اللَّهُمَّ يَا رَبَّ الْأَسْوَءِ كُلِّهَا وَ اقْمَعْ
 عَنْهُ أَبْصَارَ الظَّالِمِينَ وَ أَلْسِنَةَ الْمُعَانِدِينَ وَ الْمُرِيدِينَ لَهُ السُّوءَ وَ الصَّرَّ وَ اذْفَعْ عَنْهُ كُلَّ مَحْدُورٍ وَ
 مَحْذُورٍ وَ أَيُّ عَبْدٍ مِنْ عِبِيدِكَ أَوْ أَمَةٍ مِنْ إِمَائِكَ أَوْ سُلْطَانٍ مَارِدٍ أَوْ شَيْطَانٍ أَوْ شَيْطَانَةٍ أَوْ جِنِّي أَوْ

جَنِيَّةٍ أَوْ غُولٍ أَوْ غَوْلَةٍ أَرَادَ صَاحِبَ كِتَابِي هَذَا بِظُلْمٍ أَوْ صَرًّا أَوْ مَكْرًا أَوْ مَكْرُوهٍ أَوْ كَيْدٍ أَوْ خَدِيْعَةٍ أَوْ نِكَايَةٍ أَوْ سَعَايَةٍ أَوْ فَسَادٍ أَوْ غَرْقٍ أَوْ اضْطِلَامٍ أَوْ عَطْبٍ أَوْ مُعَالَبَةٍ أَوْ غَدْرِ أَوْ قَهْرٍ أَوْ هَتْكَ سِتْرٍ أَوْ اِفْتِدَارٍ أَوْ آفَةٍ أَوْ عَاهَةِ أَوْ قَتْلِ أَوْ حَرْقٍ أَوْ اِنْتِقَامٍ أَوْ قَطْعٍ أَوْ سِحْرِ أَوْ مَسْخٍ أَوْ مَرَضٍ أَوْ سَقَمٍ أَوْ بَرَصٍ أَوْ جُدَامٍ أَوْ بُؤْسٍ أَوْ فَاقَةٍ أَوْ سَعَبٍ أَوْ عَطَشٍ أَوْ وَسْوَسةٍ أَوْ نَقْصٍ فِي دِينٍ أَوْ مَعِيْسةٍ فَاكْفِنِيهِ بِمَا شِئْتَ وَ كَيْفَ شِئْتَ وَ اَنْتَى شِئْتَ اِنَّكَ عَلَي كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ وَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَي سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ اَجْمَعِيْنَ وَ سَلَّمَ تَسْلِيْمًا كَثِيْرًا وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيْمِ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ .

و اما آنچه که بر روی این قطعه از نقره خالص نوشته شده است: یا مشهوراً فی السمآوات یا مشهوراً فی الارضین یا مشهوراً فی الدنیا و الآخرة جهدت الجابرة و الملوك علی اطفاء نورك و احماد ذکرك فآبی الله الا ان ینم نورك و ییوح بذکرك و لو کره المشرکون.^۱

مؤلف کتاب «مآثر الکبراء فی التاریخ سامراء» در ضمن بیان فرزندان امام محمد تقی علیه السلام

می نویسد:

«منهم: السیة حکیمة بنت الإمام الجواد علیه السلام، و قد تقدم ذکر أخبارها و جلائل فضائلها فی الجزء الأول و لم أذكر هناك أنها ذات بعل و ولد، و فی الأخباریات ظفرت علی نسخة خطیة فی المكتبة النسابة شهاب الدین التبریزی فی بلدة قم من نسخ «عمدة الطالب»، فرأیت فی بعض حواشیها تعلیقاً للعلامة المیر محمد قاسم الحسینی السبزواری من علماء عصر الصّفویة، قال: و لمولانا الجواد بنات منهنّ حکیمة، تزوّجها أبو علی الحسن المحدث بن أبی الحسن علی المرعش بن عبیدالله بن أبی الحسن محمد الأكبر بن أبی محمد الحسن المحدث بن الحسین الأصغر ابن الإمام السّجاد علیه السلام و ولدت منه أبا عبدالله الحسین و زیداً و حمزة و كانت حکیمة هی صاحبة القصة فی میلاد القائم علیه السلام، نقل من شجرة ابن خداع المصری»؛^۲

یکی از اولاد امام جواد علیه السلام، سیده حکیمة علیها السلام است که ذکر روایات و بزرگی فضائلش در جلد اول گذشت ولی در آنجا نگفتیم که ایشان دارای شوهر و فرزندان می باشند، ولیکن در این اواخر یک نسخه خطی از کتاب «عمدة الطالب» در کتابخانه نسابه سید شهاب الدین مرعشی در قم پیدا کردم که علامه میر محمد قاسم حسینی سبزواری از علمای عصر

۱. مهج الدعوات، ص ۴۰؛ بحارالانوار، ج ۹۱، ص ۳۵۷.

۲. مآثر الکبراء فی التاریخ سامراء، ج ۲، ص ۳۳۲.

صفویه بر آن تعلیقه زده بود و در آن این چنین نگاشته شده بود:

برای مولای ما حضرت جواد علیه السلام دخترانی بوده است. یکی از آنها حضرت حکیمه علیها السلام است که ابوعلی حسن محدث بن ابی حسن علی مرعش بن عبیدالله بن ابی حسن محمد اکبر بن ابی محمد حسن محدث بن حسین اصغر این امام سجاد علیه السلام با ایشان ازدواج کرده، و از او ابا عبدالله حسین و زید و حمزه متولد و به وجود آمده‌اند، و این سیده حکیمه علیها السلام همان بزرگواری می‌باشند که قصه معروف ولادت حضرت قائم علیه السلام را نقل کرده است. این مطلب از شجره ابن خداع مصری نقل شده است.

حکیمه خاتون علیها السلام و شفای طفل بیمار

شیخ اقدم اقدس مرحوم شیخ صدوق علیه السلام از ابو جعفر بزرگی نقل کرده است:

وقتی روز بعد فرا رسید، آن هاشمی [که با او رفیق شده بودم] مرا به منزل خود برد و مهمان کرد، سپس کنیزی را صدا کرد و گفت: ای غزال! (و یا گفت: ای زلال!) کنیز پیری پیش آمد، به او گفت: ای کنیز! حدیث میل و مولود را بازگو، او گفت:

ما طفل بیماری داشتیم و بانویم به من گفت: به منزل حضرت امام حسن بن علی علیه السلام برو و به حکیمه علیها السلام بگو چیزی بدهد تا با آن برای این طفل بیمار طلب شفا نمایم. وقتی محضر ایشان رفتم و آنچه که بانویم گفته بود، را عرض نمودم، حضرت حکیمه علیها السلام فرمودند: آن میلی را که با آن چشم مولودی را که دیروز متولد شد، و با آن میل برایش سرمه کشیدیم، را بیاورید. و مقصودش [از طفل تازه متولد شده] فرزند حضرت امام حسن بن علی علیه السلام بود. وقتی میل را آوردند، و آن را به من داد، و من آن را برای بانویم بردم، و نوزاد را با آن سرمه کشیدند، بلافاصله آن کودک بیمار بهبودی پیدا کرد، و آن میل تا مدت‌ها نزد ما بود، و به وسیله آن طلب شفا می‌کردیم، اما پس از مدتی مفقود شد.^۱

ولادت امام علی النقی الهادی علیه السلام

مرحوم شیخ مفید اعلی الله مقامه الشریف در کتاب «ارشاد» ولادت ایشان را در نیمه ذی الحجه

۱. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص ۲۹۹.

سال دویست و دوازده هجری قمری دانسته است.^۱ ولی در کتاب «مصباح» کفعمی از ابن عباس دعائی از ناحیه مقدسه حضرت ولی عصر^{علیه السلام} توسط حسین بن روح نوبختی نقل شده است، که دلالت می‌کند ولادت حضرت امام هادی^{علیه السلام} در ماه رجب بوده است، و آن دعا با این عبارت شروع می‌شود:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِالْمَوْلُودِينَ فِي رَجَبِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الثَّانِي وَابْنِهِ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدِ الْمُتَنَجِّبِ...»^۲

از همین رو جمعی ولادت حضرت را در دوم یا پنجم ماه رجب دانسته‌اند.^۳ اسم شریف آن حضرت «علی» بوده است و کنیه ایشان «ابو الحسن»، ولی چون کنیه حضرت موسی بن جعفر^{علیه السلام} و امام رضا^{علیه السلام} نیز «ابوالحسن» بوده است، به ایشان «ابوالحسن ثالث» می‌گویند.^۴

بشارت خاتم الأنبياء به ولادت امام علی التقي الهادي^{علیه السلام}

در روایتی طولانی که مرحوم علامه مجلسی اعلی الله مقامه الشریف از شیخ اقدم صدوق اعلی الله مقامه الشریف در کتاب «عیون اخبار الرضا» از رسول الله^{صلی الله علیه و آله} در قسمتی از آن آمده است:

«إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى رَكَّبَ فِي صُلْبِهِ نُظْفَةً لَا بَاغِيَةَ وَلَا طَاغِيَةَ بَارَةً مُبَارَكَةً طَيِّبَةً طَاهِرَةً سَمَاهَا عِنْدَهُ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ فَأَلْبَسَهَا السَّكِينَةَ وَالْوَقَارَ وَأَوْدَعَهَا الْعُلُومَ وَكُلَّ سِرٍّ مَكْتُومٍ مَنْ لَقِيَهُ وَفِي صَدْرِهِ شَيْءٌ أَنْبَأَهُ بِهِ وَحَدَّرَهُ مِنْ عُدُوِّهِ وَيَقُولُ فِي دُعَائِهِ: يَا نُورُ يَا بُرْهَانَ يَا مُنِيرُ يَا مُبِينُ يَا رَبَّ اكْفِنِي سَرَّ الشُّرُورِ وَآفَاتِ الدُّهُورِ وَأَسْأَلُكَ النَّجَاةَ يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ مَنْ دَعَا بِهِذَا الدُّعَاءِ كَانَ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ سَفِيحَةً وَقَائِدُهُ إِلَى الْجَنَّةِ»^۵

خداوند متعال در صلب او [اشاره به حضرت جواد الأئمه^{علیه السلام}] نظفه‌ای قرار داد که نه گناهکار است و نه سرکش، نیکوکار و خجسته و پاکیزه و پاک می‌باشد که خداوند نزد خود آن را «علی بن محمد» نامید و جامه‌ای از آرامش و وقار بر وی پوشانید و دانش‌ها و هر راز

۱. ارشاد، ج ۲، ص ۷۰۴.

۲. مصباح، ص ۷۰۳.

۳. منتهی الآمال، ج ۲، ص ۶۴۱.

۴. منتهی الآمال، ج ۲، ص ۶۴۱.

۵. بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۲۰۷.

نهانی را در درونش به ودیعت نهاد. هر کس با او روبرو شود و چیزی در دل داشته باشد، وی را از آن آگاه کرده و به او هشدار خواهد داد که مراقب دشمنش باشد؛ و در دعای خود گوید: ای نور، ای برهان، ای نورافشان، ای آشکار و ای پروردگار، مرا از شرّ شرور و بلاهای روزگاران محافظت نما، و از تو، در روزی که در صور دمیده می‌شود، رستگاری را خواستارم! هرکس این دعا را بخواند، علی بن محمد شفیع و راهبر او به سوی بهشت خواهد بود.

وجود نازنین حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله در این روایت شریف به گوشه‌ای از فضائل حضرت امام هادی علیه السلام اشاره می‌فرمایند و تصریح به پاک و پاکیزه بودن ایشان می‌نمایند که خود اشاره‌ای به این است که آیه تطهیر در شأن حضرت امام هادی علیه السلام نیز می‌باشد. و خداوند فرموده است:

﴿إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا﴾^۱ خدا چنین می‌خواهد که هر رجس و آلاشی را از شما خانواده (اهل بیت نبوت) ببرد و شما را از هر عیب پاک و منزّه گرداند.

و همچنین همان گونه که جد بزرگوارشان رسول‌الله صلی الله علیه و آله دارای سکینه و آرامشی بودند که خداوند در این باره می‌فرمایند:

﴿ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ﴾^۲ آن‌گاه خدا وقار و سکینه خود را (یعنی شکوه و سطوت و جلال ربّانی را) بر رسول خود و بر مؤمنان نازل فرمود.

در صورتی که به روایاتی که به دست ما رسیده است مراجعه کنیم به خوبی می‌یابیم که مقصود از «المؤمنین» در این آیه شریفه وجود نازنین اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام می‌باشند و همان وقار و سکینه‌ای که در وجود خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله وجود داشت در حضرت امام هادی علیه السلام هم یافت می‌شود. چنانچه حضرت رسول‌الله صلی الله علیه و آله نیز در این روایت شریف به آن تصریح می‌فرمایند.

و همچنین حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله تصریح می‌نمایند که علوم و اسرار عالم نزد

۱. احزاب: ۳۳.

۲. توبه: ۲۶.

حضرت امام هادی علیه السلام به ودیعه گذاشته شده است چنانچه خداوند در قرآن می فرماید:

﴿كُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ﴾^۱ در قلب امام همه چیز را به شماره آورده ایم.

دیگر از نکاتی که در فرمایش حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله درباره حضرت امام هادی علیه السلام در این روایت به چشم می خورد تصریح حضرت به آگاهی ایشان از غیب و مافی الضمیر افراد می باشد. همان گونه که خداوند نیز در این رابطه در قرآن کریم فرموده اند:

﴿عَالِمِ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَىٰ غَيْبِهِ أَحَدًا، إِلَّا مَنِ ارْتَضَىٰ مِنْ رَسُولٍ﴾^۲ او عالم به غیب است و هیچ کس را بر غیب خود آگاه نمی کند، جز پیامبری را که از او خشنود باشد.

آری اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام چون جد بزرگوار خود حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله از غیب آگاهی کامل دارند.

القاب امام علی التقی الهادی علیه السلام

مشهورترین القاب آن حضرت، «نقی» و «هادی» است، ولی گاهی آن حضرت را «نجیب»، «مرتضی»، «عالم»، «فقیه»، «ناصح»، «امین»، «مؤمن» و «طیب» می گفتند. و از زمانی که حضرت امام هادی علیه السلام و فرزندشان حضرت امام حسن عسکری علیه السلام با اجبار به شهر سامراء تبعید، و بُرده شدند، به اعتبار این که آن محله ای که آن بزرگواران در آن ساکن شده بودند «عسکر» نام داشت، هر دو امام بزرگوار را به آن مکان نسبت داده اند، و از همان ایام به ایشان «عسکری» می گفتند.^۳

مشخصات ظاهری امام علی التقی الهادی علیه السلام

«ایشان متوسط القامة بوده اند و صورت مبارکشان سرخ و سفید بوده است، و اندکی گونه هایشان برآمده، و چشم های درشت و ابروهایی گشاده، و چهره ای دلگشا داشته اند».^۴

۱. یس: ۱۲.

۲. جن: ۲۶ و ۲۷.

۳. منتهی الآمال ج ۲، ص ۶۴۱.

۴. منتهی الآمال ج ۲، ص ۶۴۲.

مکارم اخلاق امام علی النقی الهادی علیه السلام

شیخ الطائفه مرحوم شیخ طوسی اعلی الله مقامه الشریف از کافور خادم روایت کرده که گفت: امام هادی علیه السلام به من فرمودند:

فلان سطل را در فلان مکان قرار بده، تا من با آب آن برای نماز، وضو بگیرم، سپس من را سراغ کاری فرستادند، و فرمودند: «وقتی که بازگشتی این کار را انجام بده، تا هنگامی که برای نماز، آماده می شوم، آب مهیا باشد. آن حضرت به پشت دراز کشید که بخوابد، و من فرمایش حضرت را فراموش کردم. و آن شب هوا خیلی سرد بود، همین که احساس کردم امام علیه السلام برای نماز برخاسته و بیدار شده‌اند، ناگهان یادم آمد که سطل آب را در مکانی که حضرت فرموده بودند، قرار نداده‌ام، به همین خاطر از ترس آن که حضرت سرزنش نمایند، از آن مکان دور شدم، و ناراحت بودم که حضرت برای دسترسی به آب، به زحمت می‌افتند، که ناگهان حضرت با حالت غضب مرا صدا زدند، از این رو با خود گفتم:

و اگر بگویم فراموش کردم، در محضر خداوند متعال عذرم پذیرفته نمی‌شود، و از آن جایی که چاره‌ای جز جواب دادن، نداشتم، با ترس محضر آن حضرت رفتم، همین که امام من را دیدند، فرمودند: وای بر تو! آیا نمی‌دانی من عادت دارم که با آب سرد وضو بگیرم، تو آب را گرم کرده‌ای و در سطل ریخته‌ای؟».

عرض کردم: به خدا قسم، ای مولای من، نه سطل را، و نه آب را، من در جایی نگذاشتم. حضرت در آن هنگام فرمودند: حمد و سپاس مخصوص خداوند است، به خدا قسم، کاری را که خداوند متعال برای ما آسان نماید را ترک نخواهم نمود، حمد و سپاس خداوندی را، که ما را از اهل اطاعت خود قرار داد، و ما را برای عبادت کردنش یاری و موفق نمود، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرمایند:

«ان الله يغضب علي من لا يقبل رخصته؛ به درستی که خداوند متعال غضب می‌کند بر شخصی که، کاری را که خدا برایش آسان کرده است را نپذیرد».^۱

نقش نگین حضرت امام علی التقی الهادی

نقش یکی از نگین های انگشترهای حضرت امام هادی علیه السلام «اللّٰه ربی و هو عصمتی من خلقه» بوده است. و نقش یکی دیگر از نگین های انگشتر حضرت «حفظ العهود من اخلاق المعبود» بوده است.^۱

حرز امام علی التقی الهادی

امام جواد علیه السلام تعویذ زیر را برای فرزند بزرگوارشان حضرت امام هادی علیه السلام نگاشته اند:

«بسم الله الرحمن الرحيم، لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظيم، اللهم رب الملائكة و الروح، و النبیین و المرسلین، و قاهر من فی السموات و الأرضین، و خالق کل شیء و مالک کف عنی بأس أعدائنا، و من أراد بنا سوء من الجن و الانس، فأعم أبصارهم و قلوبهم، و اجعل بیننا و بینهم حجاباً و حرساً و مدفعاً، انک ربنا و لاحول و لا قوة الا بالله علیه توکلنا و الیه أنبنا، و هو العزیز الحکیم. ربنا و عافنا من شر کل سوء، و من شر کل دابة أنت آخذ بناصیتها، و من شر ما سکن فی اللیل و النهار، و من شر کل سوء، و من شر کل ذی شر یا رب العالمین، و اله المرسلین، صل علی محمد و آله أجمعین، و خص محمداً و آله بأتم ذلك، و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظيم، بسم الله و بالله أو من و بالله أعوذ، و بالله أعتصم، و بالله أستجیر، و بعزة الله و منعه أمتنع من شیطین الانس و الجن، و من رجلهم و خیلهم و رکضهم، و عطفهم و کیدهم و شرهم و شر ما یأتون به تحت اللیل و تحت النهار من البعد و القرب، و من شر الحاضر و الغائب، و الشاهد و الزائر أحياءاً و امواتاً... و من شر العامة و الخاصة، و من شر نفسی و وسوستها، و من شر الدناش و الحس و اللمس، و اللبس و من عین الجن و الانس. و بالاسم الذی اهتز له عرش بلقیس أعیذ دینی و نفسی، و جمیع ما تحوط به عنایتی من شر کل صورة و خیال أو بیاض او سواد، أو تمثال او معاهد أو غیر معاهد ممن سکن الهواء و السحاب و الظلمات و النور و الظل و الحرور و البرد، و البحور و السهل و الوعور و الخراب، و العمران و الاکام و الاجام و المفاوض، و الکنابس و

۱. منتهی الآمال ج ۲، ص ۶۴۲.

النواویس و الفلوات و الجبانات، من الصادین ممن یدو باللیل و ینتشر بالنهار، و بالعشی و الابکار، و الغدو و الاصال، و المریین و الأسامرة و الأفاترة و الفراغنة، و الأبالسة، و من جنودهم و ازواجهم و عشائرهم، و قبائلهم، و من همزهم و لمزهم و نفثهم، و وقاعهم، و أخذهم، و سحرهم، و ضربهم و عبثهم، و لمحهم، احتیالهم و من شر کل ذی شر من السحرة و الغیلان و أم الصبیان و ما ولدوا... و من شر کل ذی شر داخل و خارج، و عارض و متعرض، و ساکن و متحرک، و ضربان عرق، و صداع شقیقه و ام ملدم و الحمی، و المثلثه و الربع و الغب، و النافضة و الصالبة و الداخلة و الخارجة، و من شر کل دابة أنت آخذ بناصيتها، انک علی صراط مستقیم، اللهم صل علی محمد و آل محمد و سلم کثیرا...»^۱

همسر امام علی النقی الهادی علیه السلام

همسر امام هادی علیه السلام بانوی بزرگواری به نام «حدیث»، یا «سلیل» بوده‌اند، و به ایشان «جده» [به مناسبت اینکه جدّه امام عصر علیه السلام است] می‌گفتند، ایشان از بانوان شایسته و بامعرفت بودند، و در ارجمندی مقام ایشان، همین بس که بعد از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام، پناه و مرجع شیعیان بودند.^۲ و در شرح زندگانی فرزندشان امام حسن عسکری علیه السلام شرح مختصری از منزلت و شأن این بانوی بزرگواری را ذکر خواهیم کرد.

فرزندان امام علی النقی الهادی علیه السلام

حضرت امام علی النقی علیه السلام پنج فرزند داشته‌اند: أبو محمد امام حسن عسکری علیه السلام، حسین، محمد، جعفر و علیّه. اما درباره امام حسن عسکری علیه السلام در آینده انشاء الله شرح حالی مختصری خواهد آمد.

محمد بن علی النقی علیه السلام

فرزند ارشد حضرت امام علی النقی علیه السلام، امامزاده واجب التعظیم سید محمد علیه السلام

۱. تحلیلی از زندگانی امام هادی علیه السلام، ص ۲۸.

۲. ترجمه انوار البهیة، ص ۴۷۳.

می‌باشند، اگر چه برخی از روایات دلالت می‌کند امام حسن عسکری علیه السلام بزرگ‌ترین فرزند امام هادی علیه السلام می‌باشند،^۱ ولی قول حق این است که امامزاده سید محمد علیه السلام بزرگ‌ترین فرزند امام هادی علیه السلام هستند. به هر تقدیر بحث درباره این امامزاده بزرگوار کتاب مستقلی لازم دارد. و از آن جایی که امام هادی علیه السلام یک همسر بیشتر نداشتند ایشان برادر تنی امام حسن عسکری علیه السلام می‌باشند.^۲ و برای ایشان سه کنیه ذکر کرده‌اند، «أبو جعفر» که در روایات با این کنیه از ایشان یاد شده و مشهور هم می‌باشد و گاهی قید ثانی «أبو جعفر ثانی» نیز به آن اضافه شده است،^۳ و «أبو علی» و «أبو أحمد».^۴

القاب امامزاده سید محمد علیه السلام

القاب زیادی برای امامزاده واجب التعظیم سید محمد ذکر کرده‌اند که عبارتند از:
سبع الدجیل: معروف است تا دههٔ چهل میلادی، قرن بیستم (تا سال ۱۹۴۰م) شیری در اطراف حرم مطهر امامزاده واجب التعظیم سید محمد علیه السلام نگهداری می‌داده و از زائران مراقبت می‌نموده و اگر کسی متعرض زائری می‌شده او را رها نمی‌کرده و بلانی به سر او می‌آورده است.^۵ از این رو به این امامزاده بزرگوار این لقب را داده‌اند.
سبع الجزيرة: چه بسا جزیره به کسر جیم باشد، چرا که جزیره در زبان اهالی آن منطقه به بیابان بی آب و علف و خالی از سکنه اطلاق می‌شود، و این لقب نیز به همان جهت قبلی بر حضرت اطلاق شده است.^۶

اسد الدجیل: که وجه این لقب نیز با توجه به مطالب قبل مشخص است.^۷
البعاج: بعاج به معنای قتل، یعنی بسیار کشته؛ بسیار کشته متجاوزان و متعدیان به

۱. سیدمحمد پسر امام هادی علیه السلام، مدفون در دجیل، ص ۸۹.

۲. سیدمحمد پسر امام هادی علیه السلام، مدفون در دجیل، ص ۱۷ به نقل از کافی.

۳. سیدمحمد پسر امام هادی علیه السلام، مدفون در دجیل، ص ۲۶ به نقل از کمال الدین و تمام النعمة.

۴. سیدمحمد پسر امام هادی علیه السلام، مدفون در دجیل، ص ۳۰ و ۳۱.

۵. همان، ص ۳۲.

۶. سیدمحمد پسر امام هادی علیه السلام، مدفون در دجیل، ص ۳۳.

۷. همان.

زائران امامزاده سید محمد. وجه این لقب نیز از مطالب یاد شده واضح می‌شود و در حقیقت این قتال بودن از اوصاف همان شیری است که نگهبان مرقد و زائران امامزاده واجب التعظیم سید محمد بوده، و کرامتی الهی برای این مزار شریف و نورانی است.^۱

أبو جاسم: هر چند این کلمه با «أب» شروع شده، و در ظاهر کنیه است، ولی ملاک آن مدح امامزاده سید محمد علیه السلام است؛ چرا که عرب گاهی برای مدح شخص، از کنیه‌ای که متضمن معنای مدح باشد، استفاده می‌کند. و از آن جایی که امامزاده سید محمد علیه السلام دشمنان بسیاری را شکست داده و نابود کرده بودند و از طرفی **جَسَم** به معنای **قَصَم** (شکست دادن و از بین بردن) است، به همین جهت کنیه **أبو جاسم** را به ایشان داده‌اند، و این مطلب (برخورد امامزاده سید محمد علیه السلام با دشمنان) در محیط شهر بلد مشهور است، و مردم آن منطقه و زائران، این مسئله را زیاد مشاهده کرده‌اند، و قسم خوردن به این لقب در میان مردم منطقه مشهور شده است.^۲

أبو برهان: این لقب حاکی از نشانه‌های واضح بر سرعت استجاب دعا نزد حرم مطهر این امامزاده واجب التعظیم می‌باشد.^۳

أبو الشاره: شاره یعنی خوش هیئت و نیک منظر و این لقب برای امامزاده سید محمد علیه السلام ممکن است به دلیل نیکو منظری و خوش هیئتی ایشان باشد. البته گفته شده شاره، علامت واضح و آشکاری است که بر سرعت استجاب دعا نزد ایشان دلالت دارد.^۴

از آن جایی که بنابر قول مشهور امامزاده سید محمد علیه السلام بزرگ‌ترین فرزند امام هادی علیه السلام بوده‌اند و فضائل اخلاقی و ویژگی‌های بارزی در میان مردم داشته‌اند، لذا تصور مردم از ایشان همان تصور مردم درباره اسماعیل بن جعفر الصادق علیه السلام بوده است؛ یعنی همان طور که عده‌ای تصور می‌کردند اسماعیل علیه السلام، به دلیل این که بزرگ‌تر بود، امام پس از حضرت صادق علیه السلام است، در مورد امامزاده سید محمد علیه السلام نیز عده‌ای همین تصور را داشتند، چنانچه

۱. سیدمحمد پسر امام هادی علیه السلام، مدفون در دجیل، ص ۳۴.

۲. سیدمحمد پسر امام هادی علیه السلام، مدفون در دجیل، ص ۳۵.

۳. سیدمحمد پسر امام هادی علیه السلام، مدفون در دجیل، ص ۳۵.

۴. سیدمحمد پسر امام هادی علیه السلام، مدفون در دجیل، ص ۳۵.

أبو هاشم جعفری می گوید:

«پس از وفات سید محمد علیه السلام نزد امام هادی علیه السلام بودم در حالی که با خود فکر می کردم آیا سؤال کنم از حضرت در مورد این که امر سید محمد و حسن العسکری علیهما السلام مانند موسی بن جعفر علیهما السلام و اسماعیل علیهما السلام است؟ چرا که أبو محمد (امام حسن العسکری علیه السلام) که پس از وفات سید محمد علیه السلام، امید به امامتش بود، پس از أبو جعفر بود (کوچک تر بود) [در همین فکر بودم که] امام هادی علیه السلام قبل از این که کلامی بگویم به من رو کردند و فرمودند: «بله همین طور است؛ پس از أبو جعفر علیه السلام، خداوند در امر امامت حسن العسکری علیه السلام بداء حاصل کرد که تا قبل از این دانسته نمی شد؛ هم چنان که در مورد موسی بن جعفر علیهما السلام پس از وفات اسماعیل علیهما السلام آنچه امامتش را آشکار کند حاصل شد، و این مطلب همان گونه است که فکر می کردی؛ هر چند اهل باطل نسبت به این امر کراهت داشته باشند؛ أبو محمد (امام حسن العسکری علیه السلام) فرزندم و جانشین پس از من است، نزد اوست همه علومی که به آن احتیاج است و وسیله امامت و نشانه آن نزد اوست»^۱.

به هر تقدیر امامزاده واجب التعظیم سید محمد علیه السلام چنان شأن و منزلتی داشتند که عده ای از شیعیان گمان می کردند ایشان بعد از امام هادی علیه السلام، امام خواهند بود. از همین رو مرحوم ثقة الاسلام کلینی اعلی الله مقامه الشریف در کتاب شریف و ارزشمند «اصول کافی» از سعد بن عبدالله از جمعی هاشمیین از آن جمله حسن بن حسن افضس، نقل کرده است:

روز وفات [امامزاده واجب التعظیم] سید محمد فرزند امام علی علیه السلام، بر در خانه امام علی علیه السلام برای عرض تسلیت حاضر شدند، مجلسی در صحن خانه امام علیه السلام فراهم کرده بودند و مردم گرد آن حضرت نشسته بودند گفتند: ما شمردیم در حدود یک صد و پنجاه مرد از خاندان ابی طالب و بنی هاشم و قریش در آنجا حاضر بودند، به غیر از غلامان آن حضرت و مردم متفرقه دیگری که در خانه امام بودند. در این میان نگاه امام هادی علیه السلام به حسن علیه السلام فرزندشان افتاد که با گریبان چاک زده آمد و سمت راست آن حضرت ایستاد و ما او را نمی شناختیم و بعد از مدت زمانی امام هادی علیه السلام به او نگاهی کردند و فرمودند:

۱. سید محمد پسر امام هادی علیه السلام، مدفون در دجیل، ص ۱۰۱ به نقل از ارشاد.

«يَا بَنِيَّ أَحَدِثْ لِلَّهِ شُكْرًا فَقَدْ أَحَدَثَ فِيكَ أَمْرًا»؛ ای پسر جانم، خدای عزوجل را شکر کن که درباره تو امری پدید آورد.

آن جوان گریست و حمد خدا را نمود و گفت: انا لله وانا اليه راجعون، و فرمود: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ أَنَا أَسْأَلُ اللَّهَ تَمَامَ نِعْمَةٍ لَنَا فِيكَ»؛ ستایش خدای را که پروردگار جهانیان است و من از خدا برایمان تمامیت نعمتش را در شما می خواهم.

ما درباره ایشان سؤال کردیم، در جواب گفتند: این پسر امام حسن علیه السلام است، در این موقع ایشان به نظر ما شخصی بیست ساله می آمد یا بلکه بیشتر از آن، همان روز ایشان را شناختیم و دانستیم که امام علی نقی علیه السلام برای امامت به ایشان اشاره کردند و ایشان را جانشین خود نمود.^۱ به هر تقدیر عده ای از شیعیان گمان می کردند که بعد از حضرت امام هادی علیه السلام، امامزاده سید محمد علیه السلام به امامت می رسند ولی بداء حاصل شد، چنانچه شیخ الطائفه مرحوم شیخ طوسی اعلی الله مقامه الشریف در ضمن روایتی از امام هادی علیه السلام نقل کرده اند:

«نعم يا أبا هاشم! بدا لله تعالى في أبي جعفر علیه السلام و صير مكانه أبا محمد علیه السلام»؛^۲ آری ای ابوهاشم! در مورد ابی جعفر [امامزاده سید محمد علیه السلام] «بداء» حاصل شد و جای او را ابامحمد [امام حسن عسکری علیه السلام] گرفت.

در بیانی واضح و در عین حال مختصر، اگر بخواهیم «بداء» را معنا نماییم، باید گفت: «بداء»؛ یعنی اظهار بعد از اخفاء» به این معنا که بعد از آن که وجود نازنین ذات ربوبی جل جلاله امری را بر بندگانش مخفی نمود، و درباره آن صحبتی نکرد، و مردمان خود برداشت نادرستی در این باره داشتند، حقیقت امر را بیان نماید.

چنانچه در مورد امامزاده واجب التعظیم حضرت سید محمد علیه السلام همین گمان اشتباه به وجود آمد، و از آن جایی که معمولاً فرزند بزرگ امام، بعد از پدر به امامت می رسد، البته در صورتی که عیب و نقصانی در او موجود نبود، و با توجه به کمالات علمی و اخلاقی امامزاده سید محمد علیه السلام، شیعیان گمان نمودند که ایشان بعد از پدر به امامت می رسند، و از آن جایی که خداوند متعال نیز در این زمینه به واسطه اولیاء الهی صحبتی ننموده بودند، و

۱. أصول الكافي، ج ۲، ص ۵۳۱.

۲. الغيبة طوسی، ص ۳۶۴.

امر را کتمان و در خفاء نگاه داشته بودند، این شائبه شیعیان پررنگ‌تر گشته و جمعی فکر می‌کردند امامزاده سید محمد علیه السلام بعد از پدرشان به امامت خواهند رسید، هر چند اصحاب خاص از این مطلب آگاهی کامل داشتند و با توجه به روایاتی که از حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله و بقیه اهل بیت علیهم السلام به دست آنها رسیده بود، می‌دانستند که بعد از حضرت امام هادی علیه السلام، حضرت امام حسن عسکری علیه السلام به امامت می‌رسند.

اما با رحلت امامزاده سید محمد علیه السلام، خداوند متعال آن امر مخفی را آشکار کرده، و بعد از آن که جواب این سؤال، که چه کسی به امامت خواهد رسید؟ را، به همان حال اختفاء خود باقی گذاشته بود، به یک باره امر را واضح کرده، و مردمان را از برداشت نادرست خود با خبر نمود.

حال گاهی برای خوبان عالم این اتفاق رخ می‌دهد، و از آن جایی که از لوح محفوظ [لوحی که مقدرات در آن قطعی گشته و تخلف در آن راه ندارد] همیشه آگاهی ندارند، به سبب این که از لوح محو و اثبات [لوحی که مقدرات در آن قطعی نشده است] خبر می‌دهند، بعد از مدتی از آن امری که برایشان مخفی بوده، آگاه می‌گردند، و معلوم می‌شود که حقیقت امر چه بوده است. چنانچه نقل شده، حضرت عیسی علیه السلام از کنار عده‌ای که مشغول شادی و سرور بودند، عبور کردند. و به اطرافیان خود فرمودند:

امشب این جمعیت خوشحال و مسرور هستند ولی فردا گریان و ماتم‌زده خواهند شد. از حضرت پرسیدند: به چه دلیل؟ فرمودند: امشب عروس از دنیا می‌رود. اما در عین ناباوری روز بعد حواریون دیدند، عروس مورد نظر زنده و سالم می‌باشد. منافقان گفتند: بدانید که عیسی علیه السلام دروغ‌گو است. این سخنان هنگامی که به گوش حضرت رسید فرمودند: به خانه او می‌رویم تا حقیقت امر واضح گردد. از همین رو حضرت عیسی علیه السلام به همراه حواریون به خانه آن زن رفتند. در این هنگام، حضرت از عروس پرسیدند: شب گذشته چه عملی از شما سر زده است؟ او عرض نمود: دیشب، شب عروسیم بود. نیازمندی از مردم درخواست کمک کرد، ولی هیچ کس به او عنایت و کمکی نکرد، من پیراهن خودم را به او بخشیدم. پس از شنیدن این گفتار، حضرت از عروس پرسیدند: آیا وسائل خود را باز کرده‌اید؟ زن عرض کرد: نه. سپس دستور دادند که بسترش را باز کنند، پس از گشودن بستر

دیدند مار بزرگی دم خویش را در دهان گرفته است. آنگاه رو به آن زن نمودند و فرمودند: احسانت این بلا را از تو دفع کرده است، و الا این مار تو را گزیده بود و تاکنون مرده بودی.^۱ حال خداوند متعال، از علت هر دو امر آگاه بوده، و خبر داشته، که در شب مورد نظر حادثه‌ای در شرف اتفاق است. و همچنین آگاه بوده که آن زن با احسان و صدقه دادنش از آن اتفاق و پیش آمد جلوگیری می‌کند؛ یعنی در لوح قابل تغییر محو و اثبات، جریان حادثه و مرگ ثبت گشته بوده که اگر آن زن صدقه نمی‌داد، مرگش فرا می‌رسید ولی با پرداخت صدقه از مرگ زودرس خود جلوگیری نمود. اما در لوح محفوظ، اجل معین و حتمی او زمان دیگری بوده است که خداوند از آن آگاهی داشته، ولی حضرت عیسی علیه السلام از آن بی‌اطلاع بوده‌اند. و ایشان با توجه به لوح محو و اثبات چنین خبری را به اطرافیانش داده‌اند و هنگامی که فهمیدند چنین امری واقع نشد، متوجه شدند که اجل او زمان معین دیگری خواهد بود، که ذات مقدس ربوبی از آن با خبر است.

پس بداء در نزد شیعیان به معنی «اظهار بعد الاخفاء؛ ظاهر کردن مطلبی بعد از آن که خداوند آن را مخفی نگاه داشته بود» می‌باشد. اما بداء در صورتی که به معنای تغییر در تصمیم‌گیری و تبدیل نظری به نظر دیگر باشد، در مورد خداوند متعال جایز نیست و محال می‌باشد چرا که مستلزم جهل و یا ضعف در تصمیم‌گیری خواهد بود و این نسبت به خداوند متعال صحیح نمی‌باشد.

خاتم المحدثین مرحوم شیخ عباس قمی اعلی الله مقامه الشریف از کتاب «نجم الثاقب» مرحوم محدث نوری اعلی الله مقامه الشریف نقل کرده است:

«مزار سید محمد در هشت فرسنگی سامراء، نزدیک قریه بلد است، و از اجلاء سادات و صاحب کرامات متواتره است حتی اهل سنت و اعراب بادیه که به غایت از ایشان احترام می‌کنند و از جنابش می‌ترسند و هرگز قَسَم دروغ به ایشان نمی‌خورند و پیوسته از اطراف برای ایشان نذر می‌برند بلکه فصل غالب دعاوی در سامراء و اطراف آن به قَسَم با ایشان است. و مکرّر دیدیم که چون بنای یاد کردن قَسَم شد، منکر مال را به صاحبانش رساند و از

خوردن قسم دروغ صدمه دیدند. در این ایام توقّف سامراء چند کرامت باهره از ایشان دیده شد، و بعضی از دوستان بنای جمع آنها و نوشتن رساله در فضل ایشان دارند، وفقه الله تعالی انتهى»^۱.

حسین بن علیّ النقیّ

امامزاده واجب التعظیم حسین بن علیّ علیه السلام، سید جلیل القدر و عظیم الشانی هستند، و از بعضی از روایات استفاده می شود که از مولای ما حضرت امام حسن عسکری علیه السلام و برادرشان حسین بن علیّ علیه السلام تعبیر به سبطین می کردند و این دو بزرگوار را به دو جدشان، دو سبط پیغمبر رحمت صلی الله علیه و آله، امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام تشبیه می نمودند.^۲

خاتم المحدثین مرحوم شیخ عباس قمی اعلی الله مقامه الشریف از ابوالطیب نقل کرده اند:

«صدای حضرت حجت بن الحسن علیه السلام شبیه صدای حسین علیه السلام می باشد».^۳

و همچنین ایشان از کتاب «شجرة الأولیاء» نقل کرده اند:

«حسین فرزند امام علیّ نقی علیه السلام از زهاد و عبّاد بود، و به امامت برادر خود اعتراف داشت».^۴

جعفر کذاب

یکی دیگر از فرزندان امام هادی علیه السلام، جعفر می باشد، که بعد از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام ادعای امامت نمود. از همین رو به جعفر کذاب مشهور گشت و مثل او مثل فرزند حضرت نوح علیه السلام می باشد. او عده ای از مردم را گمراه کرد و زن آزادی که از آل جعفر بود را به عنوان کنیز فروخت. و اخباری زیادی در مذمت او وارد شده است.^۵

مرحوم مستنبط اعلی الله مقامه الشریف از مرحوم شیخ صدوق رحمته الله در کتاب «کمال الدین و تمام

النعمة» می نویسد: فاطمه، دختر محمّد بن هیشم گوید:

۱. منتهی الآمال ج ۲، ص ۶۸۹.

۲. منتهی الآمال ج ۲، ص ۶۸۷.

۳. منتهی الآمال ج ۲، ص ۶۸۷.

۴. منتهی الآمال ج ۲، ص ۶۸۷.

۵. منتهی الآمال ج ۲، ص ۶۹۰.

من در خانه امام هادی علیه السلام، موقع تولد جعفر، فرزند امام هادی علیه السلام بودم، دیدم همه اهل خانه از تولد او خوشحال و مسرور هستند، ولی امام هادی علیه السلام از این امر خوشحال و مسرور نبود. عرض کردم: آقای من! چرا شما به خاطر این مولود خوشحال و مسرور نیستید؟ فرمودند:

«بهون عليك أمره، فإنه سيضل خلقاً كثيراً»؛ امر او بر تو آسان خواهد شد، چرا که توسط او عده زیادی از مردم گمراه خواهند شد.^۱

امامت حضرت علی النقی الهادی علیه السلام

با شهادت حضرت امام جواد الأئمه علیه السلام در آخر ذی القعدة یا ششم ذی الحجه و یا یازدهم ذی القعدة سال دویست و بیست هجری قمری^۲ حضرت امام علی النقی الهادی علیه السلام بنا بر نقلی در سن شش سال و پنج ماهگی به منصب جلیل القدر امامت کبری و خلافت عظمی رسیدند.^۳ البته با توجه به این که حضرت در سال دویست و دوازده متولد شدند و در سال دویست و بیست پدر بزرگوارشان به شهادت رسیده اند باید در سن هشت سالگی به امامت رسیده باشند. از همین رو مرحوم شیخ عباس قمی اعلی الله مقامه الشریف می فرماید:

«هشت سال از عمر شریفشان گذشته بود که والد بزرگوارشان شهید گشتند».^۴

مدت امامت ایشان نزدیک سی و سه سال بوده است، که سیزده سال در مدینه اقامت داشتند، و بعد از آن متوکل ملعون آن حضرت را به سامراء طلبید، و بیست سال نیز در خانه ای که هم اکنون مدفن شریف آن حضرت می باشد، ساکن بودند.^۵

بعد از شهادت حضرت امام جواد الأئمه علیه السلام در مورد جانشینی حضرت امام علی النقی الهادی علیه السلام، با توجه به صحبت ها و روایاتی که از حضرت جواد الأئمه علیه السلام وجود داشت،

۱. ترجمه القطره، ج ۲، ص ۷۳۹.

۲. جلاء العیون، ص ۹۷۱.

۳. جلاء العیون، ص ۹۷۷.

۴. منتهی الآمال، ج ۲، ص ۶۷۱.

۵. جلاء العیون، ص ۹۷۷.

اختلاف چندانی به وجود نیامد، چنانچه ثقة الإسلام کلینی اعلی الله مقامه الشریف در کافی نیز از اسماعیل بن مهران نقل کرده است:

«زمانی که حضرت ابو جعفر علیه السلام برای نخستین بار از مدینه به بغداد می رفتند، هنگام سفر به ایشان عرض کردم: قربانت گردم، من در این راهی که می روید برای شما نگرانم، پس از شما امر امامت با کیست؟ حضرت با لبخند به سوی من برگشتند و فرمودند: غیبت من در این سال چنان نیست که تو گمان می کنی، و هنگامی که در سفر دوم نزد معتصم می رفتند دو مرتبه خدمت ایشان رسیدم و عرض کردم: قربان شما گردم، اکنون که می روید بفرمائید این امر امامت بعد شما با کیست؟ آن حضرت به قدری گریستند که محاسن مبارکشان تر شد، و سپس رو به من کردند و فرمودند: در این سفر من در خطر خواهم بود، امر امامت بعد از من با پسر من علی علیه السلام است»^۱.

در کتاب «اثبات الهداة» نیز در روایتی قریب به همین مضامین از اسماعیل بن مهران نقل شده است:

«لَمَّا خَرَجَ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ الْجَوَادُ علیه السلام مِنَ الْمَدِينَةِ إِلَى بَغْدَادَ بِطَلَبِهِ الْمُعْتَصِمِ قُلْتُ لَهُ عِنْدَ خُرُوجِهِ: جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكَ مِنْ هَذَا الْوَجْهِ فَإِلَى مَنْ الْأَمْرُ بَعْدَكَ؟ فَبَكَى حَتَّى بُلَّ لِحْيَتُهُ ثُمَّ التَفَّتْ إِلَيَّ فَقَالَ: الْأَمْرُ مِنْ بَعْدِي لَوْلَايَ عَلِيٌّ»^۲.

هنگامی که ابو جعفر محمد جواد علیه السلام به دستور معتصم قصد رفتن از مدینه به بغداد را داشتند، در زمان حرکت محضرشان رفتم و عرضه داشتم: فدای شما گردم، من از این سفری که می روید برای جان شما می ترسم، بعد از شما امر امامت با چه کسی می باشد؟ پس حضرت [با شنیدن سخن من] آن قدر گریه کردند که محاسن شریفشان تر گشت، سپس به من رو کردند، و فرمودند: امر [امامت] بعد از من با فرزندم علی [الهادی] می باشد.

مرحوم علامه مجلسی اعلی الله مقامه الشریف از کتاب «غیبة نعمانی» از عبدالعظیم حسنی علیه السلام نقل کرده است، شنیدم که حضرت ابو جعفر امام محمد تقی علیه السلام می فرمودند:

«إِذَا مَاتَ ابْنِي عَلِيُّ بَدَأَ سِرَاجٌ بَعْدَهُ ثُمَّ خَفِيَ فَوَيْلٌ لِلْمُرْتَابِ وَ طُوبَى لِلْعَرَبِ الْقَارِ بِدِينِهِ ثُمَّ

۱. أصول الكافي، ج ۲، ص ۵۱۹.

۲. اثبات الهداة، ج ۴، ص ۴۱۸.

يَكُونُ بَعْدَ ذَلِكَ أَحْدَاتٌ تَشِيْبُ فِيهَا النَّوَاصِي وَ يَسِيرُ الصُّمُّ الصَّلَابُ»^۱

چون فرزندان علی (امام علی النقی الهادی علیه السلام) وفات کند، چراغی بعد از وی پدید آید و بعد پنهان شود. وای بر کسی که درباره او شک کند و خوشا به حال عرب‌ها که دین خود را حفظ کرده‌اند. بعد از آن حوادثی روی دهد که جوانان را پیر کند و اوضاع بحرانی و هرج و مرج سختی به وقوع پیوندد.

حضرت امام جواد الائمه علیه السلام در این روایت شریف، تصریح به امامت حضرت امام هادی علیه السلام می‌کنند و سپس با عبارت «بدا سراج بعده؛ چراغی بعد از وی پدید آید» اشاره کوتاهی به دوران امامت امام حسن عسکری علیه السلام کرده، و در پایان روایت، خبر از عصر غیبت حضرت ولی عصر علیه السلام و سختی‌های فراوان آن دوران می‌دهند.

و در روایت دیگری مرحوم علامه مجلسی علیه السلام از صقر بن ابی دلف نقل کرده است:

«سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ الرَّضَا علیه السلام يَقُولُ: الْإِمَامُ بَعْدِي ابْنِي عَلِيٌّ علیه السلام [علیه السلام] أَمْرُهُ أَمْرِي وَ قَوْلُهُ قَوْلِي وَ طَاعَتُهُ طَاعَتِي وَ الْإِمَامُ بَعْدَهُ ابْنُهُ الْحَسَنُ علیه السلام [علیه السلام] أَمْرُهُ أَمْرُ أَبِيهِ وَ قَوْلُهُ قَوْلُ أَبِيهِ وَ طَاعَتُهُ طَاعَةُ أَبِيهِ ثُمَّ سَكَتَ، فَقُلْتُ لَهُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ! فَمَنْ الْإِمَامُ بَعْدَ الْحَسَنِ علیه السلام [علیه السلام]؟ فَبَكَى علیه السلام [علیه السلام] بُكَاءً شَدِيداً ثُمَّ قَالَ: إِنَّ مِنْ بَعْدِ الْحَسَنِ علیه السلام [علیه السلام] ابْنَهُ الْقَائِمَ علیه السلام [علیه السلام] بِالْحَقِّ الْمُنْتَظَرِ، فَقُلْتُ لَهُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ! وَ لِمَ سُمِّيَ الْقَائِمَ؟ قَالَ: لِأَنَّهُ يَقُومُ بَعْدَ مَوْتِ ذِكْرِهِ وَ ازْتِدَادِ أَكْثَرِ الْقَائِلِينَ بِإِمَامَتِهِ، فَقُلْتُ لَهُ: وَ لِمَ سُمِّيَ الْمُنْتَظَرِ؟ قَالَ: إِنَّ لَهُ غَيْبَةً يَكْثُرُ أَيَّامُهَا وَ يَطُولُ أَمْدُهَا فَيَنْتَظَرُ خُرُوجَهُ الْمُخْلِصُونَ وَ يُنْكِرُهُ الْمُؤْتَابُونَ وَ يَسْتَهْزِئُ بِهِ الْجَاهِلُونَ وَ يَكْذِبُ فِيهَا الْوَقَّاتُونَ وَ يَهْلِكُ فِيهَا الْمُسْتَعْجِلُونَ وَ يَنْجُو فِيهَا الْمُسْلِمُونَ»^۲

شنیدم حضرت جواد الائمه علیه السلام می‌فرمودند: امام بعد از من، پسر من علی علیه السلام است. امر او امر من، گفته او گفته من و پیروی از او پیروی از من است. امام بعد از او، فرزندش حسن علیه السلام است. امر او امر پدرش، گفته او گفته پدرش و طاعت وی طاعت پدرش است. سپس حضرت سکوت فرمودند. من عرض کردم: یابن رسول الله! بعد از فرزند شما حسن علیه السلام، امام کیست؟ حضرت بسیار گریستند. و بعد از مدتی فرمودند: امام بعد از حسن علیه السلام،

۱. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۶.

۲. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۷.

فرزندش قائم علیه السلام به حق و منتظر است. عرض کردم: چرا به ایشان قائم می‌گویند؟ فرمودند: زیرا بعد از آنکه مردم ایشان را از یاد بردند و بیشتر معتقدین به امامتش منحرف شدند، قیام خواهد نمود. عرض کردم: «چرا ایشان را منتظر می‌گویند؟» فرمودند: زیرا ایشان غیبتی طولانی خواهد داشت و علاقه‌مندان ایشان در انتظار حضرتش به سر خواهند برد و افرادی که تردید دارند، منکر ایشان می‌شوند، و منکران، وجود ایشان را به مسخره گیرند و آنها که برای ظهورش وقت تعیین می‌کنند، دروغگو هستند. و کسانی که برای ظهورش شتاب دارند، هلاک خواهند شد، و آنان که تسلیم تقدیر خداوند هستند، [از سختی‌های آن دوران] نجات پیدا می‌کنند.

به هر تقدیر، با توجه به معجزاتی که شیعیان از حضرت امام جواد علیه السلام دیده بودند و بحث‌های مفصلی که ایشان با علماء و دانشمندان مکاتب مختلف داشتند، همگان آگاه گشته بودند که امام معصوم علیه السلام کوچک و بزرگ ندارد. و از آن جایی که علم ایشان لدنی و از طرف ذات باری تعالی بود، طول عمر امام تأثیری در عملکرد ایشان نداشت.

از این رو چون شیعیان در زمان حضرت امام جواد علیه السلام مشکل پایین بودن سنّ امام را نیز پشت سر گذاشته بودند، در زمان به امامت رسیدن حضرت امام هادی علیه السلام با توجه به کم بودن سن ایشان، در زمینه امامت، حضرت امام هادی علیه السلام تردید خاصی برای بزرگان بلکه عوام شیعه رخ نداد. و همان گونه که مرحوم شیخ مفید رحمته الله مقامه الشریف نیز فرموده‌اند:

«شیعه اجماع بر امامت حضرت امام هادی علیه السلام بعد از امام جواد علیه السلام، داشته است».^۱

و افراد معدودی هم که برای مدّت کوتاهی قائل به امامت موسی بن محمد علیه السلام معروف به «موسی مبرقع» شدند، پس از مدّتی از امامت وی برگشتند و قائل به امامت حضرت امام هادی علیه السلام شدند. سعد بن عبدالله بازگشت این افراد به امامت حضرت امام هادی علیه السلام را از آن جهت می‌داند که خود موسی مبرقع از آنان بیزاری جست و آنان را از خود راند.^۲

همان گونه که قبلاً گفتیم چون اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام لدنی است و از جانب خداوند متعال می‌باشد، سن آن بزرگواران دخالتی در عملکرد ایشان ندارد چنانچه

۱. ارشاد، ج ۲، ص ۷۰۹.

۲. المقالات و الفرق، ص ۹۹.